

یادداشت

حرص در دیارها



احمد شیرزاد

خداوند کسانی را آفریده که مهم‌ترین اثر آنها در محیط، در آوردن حرص دیگران است. خوب، این هم هنری است برای خودش. فکر کنم در رأس فهرست این بزرگان باید نام مدیرمسئول روزنامه کیهان را نوشت. یک روز شعار ترور ترامپ را می‌دهد، یک روز یقه پزشکیان را می‌گیرد و یک روز هم می‌گوید: «بروید به شورای امنیت بگویید مکانیسم‌هاشه کافظاپاره است و نمی‌توانید اجرایش کنید». شاید تدبیری در کار است که کسانی حرف‌هایی را بزنند که عموماً بیان آنها از طرف عقای قوم دشوار است و درعین‌حال این افراد منشا هیچ تصمیمی در کشور نباشند. در مجلس فعلی داریم از این بزرگواران، که خوشبختانه آرای آنها شبیه «داده‌های پرت» در رسم نمودار است (در علوم تجربی هنگام رسم نمودارها برخی نقاط که به دلیل خطای زیاد خارج از رفتار متعارف کمیت‌های فیزیکی هستند، داده پرت نامیده و از مطالعه کنار گذاشته می‌شوند). بگذارید آنها را اسم نبریم تا از لذت دیده‌شدن نام‌شان محروم بمانند. خوانندگان خوب می‌شناسند این بزرگواران را. نگرانی دوستانی که حرص‌شان از گفته‌های ناپهنجار این آقایان درمی‌آید، آن است که هزینه‌کننده‌کوبی‌ها و تندروی‌های اینها از جیب همه ملت پرداخت شود. به نظر من اگر در طی زمان، چه در صحنه اطلاع‌رسانی داخلی و چه خارجی، مشخص شود که این گفته‌ها منشا تأثیر نیستند و راه به جایی نمی‌برند، چندان نباید نگران بود. در آن سمت ماجرا هم این قبیل افراد، در کشورهایی که با ما رفتار خصمانه دارند، کم نیستند. معمولاً در عرصه روابط سیاسی و دیپلماتیک چندان نمی‌شود به اظهارات این افراد اعتراض کرد. اگر هم اعتراضی شود، جواب خواهند داد که در کشور ما آزادی بیان است و ما نمی‌توانیم متعرض اظهارنظرهای شهروندان‌مان نشویم. گمان می‌کنم بهتر است در این سمت نیز ما ظرفیت تحمل‌مان را بالا ببریم و به وجود این قبیل آدم‌ها عادت کنیم.

نگران نباشیم که دوست عزیز در رسانه رسمی کشور اعلام کند که ما با پیهاد که ناف ترامپ می‌زنیم! مهم آن است که مقامات رسمی کشور بر روی گفته‌ها و کلمات‌شان دقت داشته باشند. در سمت مقابل ما گاه به طور نامحسوس مسئولان سیاسی کشورها دیگر عمد دارند به نوعی نشان دهند فضای کشورشان نسبت به ایران چندان عاقلانه نیست. بسیار خوب، ما هم خیلی نگران نباشیم که کسانی اظهارات غیرمسئولانه و غیرقابل دفاع بیاین می‌کنند. البته اینها که عرض کردم، توجیه رفتار ناپسند و گفتار ناپهنجار این آقایان نیست. دوست ندارم تصور کنم که این قبیل رفتارها به‌عنوان «فتارهای یک‌بارمصرف» مورد استفاده ابزاری قرار می‌گیرند. اما در این سمت باید به دوستانی که مسئولانه نگران آسیب‌دیدن کشورمان از گفتمان تندروانه عناصر غیرمسئول در کشورمان هستند، به‌ویژه جوان‌ترها، توصیه کرد که هر جور دوست دارند عکس‌العمل نشان دهند ولی باتدان نرود که بنای ما بر آن نیست که اگر صدايي را به مصلحت کشور نمی‌دانیم، آن را خفه کنیم.

گزارش

«شرق» از دیدار مهم مشاور رهبر انقلاب و پوتین گزارش می‌دهد لاریجانی در کرملین

مهدی بازرگان؛ دبیمتری پِسکوف، سخنگوی کرملین، عصر دیروز یکشنبه از دیدار و رایزنی علی لاریجانی، مشاور رهبر معظم انقلاب، با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در مسکو خبر داد.
این‌طور که ایسنا به نقل از خبرگزاری روسی «ریانوستی» گزارش داده، پِسکوف اطلاع داد: رئیس‌جمهور روسیه، روز یکشنبه در کرملین از علی لاریجانی، مشاور ارشد رهبر انقلاب استقبال کرد و در طول این دیدار، نماینده ایران ازبایزی خود را از اوضاع در خاورمیانه و پیرامون برنامه هسته‌ای ایران ارائه داد.
با توجه به معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، بی‌شک این دیدار و مباحث مطرح‌شده در آن از ابعاد مختلف حائز اهمیت است.

میانجیگری روسیه و چالش غنی‌سازی صفر درصد

دیدار اخیر علی لاریجانی، مشاور ارشد رهبر انقلاب اسلامی، با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در کاخ کرملین، بار دیگر نقش مسکو در پرورنده هسته‌ای ایران را برجسته کرد.
به گزارش رسانه‌های روسی، پوتین بر حل‌وفصل سیاسی مسائل هسته‌ای ایران تأکید کرده است، اما گزارش وب‌سایت اسپکسوس مبنی بر ترغیب پوتین به ایران برای پذیرش «غنی‌سازی صفر درصد» جنجال‌ساز شد.
هرچند وزارت خارجه روسیه این ادعا را تکذیب کرد و آن را تلاشی برای تشدید تنش‌ها دانست.
عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، پیش‌تر در واکنش به اظهارات مشابه، تأکید کرده بود ایران توافقی بدون حق غنی‌سازی را نمی‌پذیرد.
این موضع نشان‌دهنده شکاف عمیق میان انتظارات غرب و ایران است.
روسیه، به عنوان یکی از امضانندگان برجام، بارها آمادگی خود را برای میانجیگری اعلام کرده، اما اظهارات دونالد ترامپ مبنی بر عدم نیاز به کمک مسکو، پیچیدگی‌های دیپلماتیک را نشان می‌دهد.
این دیدار در حالی رخ داد که ایران همچنان بر حفظ برنامه هسته‌ای خود اصرار دارد، در حالی که فشارهای بین‌المللی برای توقف غنی‌سازی افزایش یافته است.

تحولات منطقه پس از جنگ ۱۲ روزه و حمله به سوریه

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، همراه با حملات بعدی اسرائیل به سوریه، خاورمیانه را در وضعیت شکننده‌ای قرار داده است.
لاریجانی و پوتین در این دیدار احتمالاً به تشدید تنش‌های منطقه‌ای پرداخته‌اند، با تأکید بر لزوم ثبات.
حملات اسرائیل به سوریه که به بهانه حمایت از دروزی‌ها انجام شد، نگرانی‌هایی درباره اهداف ژئوپلیتیکی آن ایجاد کرده است.
این حملات که با فشارهای ترکیه، عربستان و حتی آمریکا متوقف نشد، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های جدید منطقه‌ای است.
ناظران باور دارند که این حملات نشانه‌ای از تغییر استراتژی اسرائیل به سمت تجاوزات هدفمند است که می‌تواند به درگیری دوباره با تهران منجر شود.
لذا مذاکرات ایران با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را ضروری‌تر کرده است.

مذاکرات با اروپا و سایه مکانیسم ماشه

ایران و تروپیکای اروپایی (بریتانیا، آلمان، فرانسه) برای از‌سرگیری مذاکرات هسته‌ای در سطح معاونان وزارت خارجه به توافق رسیده‌اند، هرچند زمان و مکان آن هنوز نامشخص است.
این مذاکرات در حالی برنامه‌ریزی شده که تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی اروپا که می‌تواند تحریم‌های گسترده را بازگرداند، همچنان پابرجاست.
عراقچی تأکید کرده مکانیسم ماشه فاقد مبنای حقوقی است، اما فشارهای اروپا و آمریکا برای توقف کامل غنی‌سازی ادامه دارد.
لذا یکی از گزاره‌های مطرح‌شده می‌تواند این باشد که پوتین در دیدار با لاریجانی از حل دیپلماتیک بحران حمایت کرده است، اما اظهارات متناقض مقامات غربی، از جمله هشدار وزیر خارجه آلمان درباره بازگشت تحریم‌ها، مذاکرات را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.
به‌ویژه که شکاف کنونی روسیه و اروپایی‌ها می‌تواند به فصل مشترک دیپلماتیک تهران و مسکو بدل شود.

بازگشت ایرانیان؛ از وعده تا واقعیت

دیروز در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، کلیات لایحه حمایت از ایرانیان خارج از کشور با ۲۰۹ رأی موافق تصویب شد؛ لایحه‌ای که قرار است مسیر بازگشت ایرانیان خارج از کشور به وطن را هموار کند.
آن هم در روزهایی که مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور دیگر تنها محدود به قشر نخبگان یا سرمایه‌داران نیست؛ این پدیده به چالشی فراگیر برای تمامی طبقات اجتماعی تبدیل شده است.
از دانشجویان و متخصصان تا کارگران و اقشار متوسط و پایین‌تر، بسیاری از ایرانیان به دلایل مختلفی همچون نبود فرصت‌های شغلی، ضعف

نظام اداری، مشکلات اقتصادی و حتی ناامنی‌های اجتماعی و حقوقی، خانه و کاشانه خود را ترک کرده‌اند.
این موج گسترده مهاجرت، هر روز بیش از پیش سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و فرهنگی کشور را تهدید می‌کند.
با چنین وضعیتی، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان نه فقط نخبگان، بلکه همه اقشار مختلف جامعه را در داخل کشور حفظ کرد و در عین حال بخشی از ایرانیان مهاجر را نیز به وطن بازگرداند؟
آیا صرف تصویب قوانین حمایتی و وعده‌های کلی، کافی است تا فرش قرمزی برای بازگشت این سرمایه‌های ارزشمند پهن شود؟
یا اینکه باید ابتدا بسترهای لازم و زیرساخت‌های اساسی از جمله اصلاح نظام اقتصادی، رفع بوروکراسی‌های اداری، تضمین امنیت قضائی و ارتقای کیفیت زندگی فراهم شود تا بازگشت ایرانیان واقعیت یابد؟
در چنین شرایطی، لایحه حمایت از ایرانیان خارج از کشور به عنوان گامی مهم و مورد انتظار مطرح شده است، اما این لایحه چگونه می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای عمیق و گسترده این جریان مهاجرت باشد؟
آیا این قانون قادر خواهد بود مشکلات مزمن را حل کند و در مسیر بازگرداندن سرمایه‌های انسانی و اجتماعی به کشور، نقش اثری ایفا کند؟
دیروز در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، کلیات لایحه حمایت از ایرانیان خارج از کشور با ۲۰۹ رأی موافق تصویب شد؛ گامی مهم و درخور توجه که در پس آن سال‌ها انتظار، وعده و تلاش برای بازگرداندن ایرانیان مقیم خارج از کشور به وطن را در خود جای داده است.

از سال ۱۴۰۰ که دولت سیزدهم با صدای بلند از

بازگشت ایرانیان خارج از کشور سخن گفت، موضوع بازگشت نخبگان، سرمایه‌گذاران و مهاجران به ایران بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.
حتی شخص رئیس‌جمهور در اولین نشست خبری‌اش وعده داد: «همه زمینه‌ها برای بازگشت فراهم خواهد شد».
وزیر خارجه و دیگر مقامات ارشد دولت بارها تضمین امنیت و حمایت از این ایرانیان را اعلام کردند، تا جایی که قوه قضائیه نیز با قاطعیت اعلام کرد هیچ ایرانی ممنوع‌الورود نیست و می‌تواند به کشور بازگردد.
با وجود این، تصویب قانون جامع حمایت از ایرانیان خارج از کشور که می‌توانست سکویی برای رفع مشکلات و کشایش‌های حقوقی و اداری باشد، تا دیروز به تعویق افتاده بود.
مجلس دوازدهم با تصویب کلیات این لایحه، درهای امید را گشود، اما هم‌زمان پرسش‌هایی جدی مطرح شد که آیا لایحه می‌تواند انتظارات وسیع را پاسخ دهد؟

اصل و محورهای کلیات لایحه

براساس آنچه در جلسه علنی مجلس مطرح شد، لایحه حمایت از ایرانیان خارج از کشور در ۱۶ موضوع اصلی به تصویب رسیده است که شامل تسهیل ورود و خروج، حمایت قضائی و کنسولی، اصلاح قوانین تابعیت مضاعف، دسترسی به سامانه‌های داخلی و تخصیص امکانات برای دانشجویان، سرمایه‌گذاران و نخبگان است.
همچنین راه‌اندازی سامانه «برسمان» برای حل مشکلات مرتبط با بازگشت و اقامت ایرانیان خارج از کشور از موارد مورد تأکید این لایحه بود.

دیدگاه‌های موافقان لایحه

نمایندگان موافق بر این باورند که ایرانیان خارج از کشور نه‌تنها سرمایه‌های مهم علمی، فرهنگی و اقتصادی کشورند، بلکه در رویدادهای مهم ملی، همچون جنگ تحمیلی یا بحران‌های سیاسی و اجتماعی، همواره از ایران حمایت کرده‌اند.
نبی‌الله محمدی، نماینده زنجان، به حضور و پشتیبانی

مجلس کلیات لایحه حمایت از ایرانیان خارج از کشور را تصویب کرد

بازگشت ایرانیان؛ از وعده تا واقعیت



وحیده کریمی

نگرانی‌ها و انتقادهای مخالفان

از سوی دیگر، برخی نمایندگان با وجود حمایت کلی از کلیات لایحه، نگرانی‌های مهمی را مطرح کردند.
سلمان اسحاقی، نماینده قانات، به‌عنوان مخالف اصلی، پرسید که آیا این لایحه توانسته موانع بوروکراتیک در وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای دولتی را رفع کند یا خیر؟
او همچنین تأکید کرد که ساختار لازم برای جذب سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور هنوز شکل نگرفته است.
احمد فاطمی، نماینده بابل، با اشاره به مشکلات موجود در داخل کشور از جمله بوروکراسی پیچیده اداری، ضعف بانک‌ها

و عدم تحقق شایسته‌سازایی در توزیع مسئولیت‌ها، پرسید چگونه انتظار داریم ایرانیان خارج از کشور به کشور بازگردند و سرمایه‌های خود را به کار بگیرند؟
وی هشدار داد که تا زمانی که مشکلات داخلی حل نشود، لایحه تنها یک اقدام نمایشی خواهد بود.
علی‌اصغر نخعی‌راد، نماینده مشهد نیز معتقد بود که دولت و مجلس باید ابتدا مشکلات ایرانیان داخل‌کشور را حل کنند، چراکه این اقدام به‌طور طبیعی باعث کاهش مهاجرت و تشویق بازگشت خارج‌نشینان می‌شود.
اما به اعتقاد او به نظر می‌رسد لایحه بیشتر جنبه تشریفاتی دارد تا عملیاتی.

چالش‌های بنیادین و الزامات اجرایی

واقعیت این است که کشور با چالش‌های پیچیده‌ای

روبه‌روست که تنها تصویب یک لایحه نمی‌تواند آنها را حل کند.
مهاجرت ایرانیان، خصوصاً نخبگان و سرمایه‌داران، ریشه در مسائل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و امنیتی دارد.
نبود امنیت شغلی، ضعف نظام اداری، نبود محیط کسب‌وکار مناسب، فساد و ناهنجاری‌های مدیریتی، فشارهای سیاسی و نبود ضمانت‌های قانونی برای حمایت از حقوق مهاجران و بازگشت‌کنندگان، از جمله موانعی است که باید پیش از هر اقدام جدی رفع شود.
در کنار این، اعتمادی که طی سال‌ها و دهه‌ها به دولت‌ها و نهادهای حکومتی از بین رفته، باید بازسازی شود.
تضمین امنیت واقعی و محسوس، نه فقط به صورت اعلامیه بلکه در عمل، اصلی‌ترین شرط بازگشت است.
همچنین تسهیل قوانین تابعیت مضاعف و حقوق کنسولی باید به‌گونه‌ای باشد که نه‌تنها نخبگان بلکه عموم ایرانیان خارج از کشور احساس کنند بازگشت به وطن یک فرصت و نه تهدید است.
تصویب کلیات لایحه حمایت از ایرانیان خارج از کشور در مجلس، گام مهمی برای ایجاد چارچوب قانونی بازگشت و حمایت از این جمعیت چند میلیونی است که سرمایه‌های عظیم انسانی، مالی و فرهنگی ایران را در اختیار دارند.
با این حال، برای تبدیل این لایحه به یک برنامه عملیاتی موفق، نیازمند اقدام‌های جدی‌تر و هم‌زمان در داخل کشور هستیم، از اصلاح ساختارهای اداری تا تضمین امنیت قضائی، فراهم‌آوردن فضای کسب‌وکار و احترام به حقوق شهروندی.
اگر این لایحه صرفاً یک سند تشریفاتی باقی بماند، همان سرنوشت شعارهای پیشین را خواهد یافت و فاصله بین ایرانیان داخل و ایرانیان خارج بیشتر خواهد شد.
اما اگر به‌طور جامع و عملیاتی اجرا شود، می‌تواند نقطه عطفی در بازسازی پیوند ملی، استفاده از ظرفیت‌های ایرانیان مهاجر و ایجاد آینده‌ای روشن‌تر برای همه ایرانیان باشد.

بنابراین سؤال اصلی همچنان باقی است، آیا دستگاه‌های مسئول توان و اراده لازم برای اجرای عملی این لایحه را دارند؟
و آیا ایرانیان خارج از کشور این بار می‌توانند با اطمینان به آرامش به وطن بازگردند و در ساختن ایران مشارکت کنند؟

نگاهی به پیامدهای جنگ تحمیلی اسرائیل علیه ایران در گفت‌وگو با صادق زیباکلام

آیا جنگ ۱۲ روزه تکرار خواهد شد؟

کردید، مواجهم که....

می‌دانستم مصاحبه را از جای سخت و چالشی شروع می‌کنی؛ اما فتح‌اللهی، فضای مبهمی وجود ندارد. من به‌صراحت می‌گویم آنچه در آن ۱۲ روز علیه ایران روی داد، اولاً «جنگ» نبود و درزانی

به دلیل موضوع پرورنده هسته‌ای بود؛ به دلیل این بود که مذاکرات مسقط آن‌گونه که باید پیش نمی‌رفت. از این موضوع که بگذریم، کم‌کاتن صادق زیباکلام باور و تأکید دارد جنگ آن چیزی است که حدود سه سال است در اوکراین روی داده و روی می‌دهد. همین دو شب پیش بود که ۴۵۰ پهباد روسی، کی‌یف و چند شهر دیگر اوکراین را هدف گسترده قرار داد؛ جنگ آن چیزی است که بیش از ۲۰ ماه است در نوار غزه روی می‌دهد و شاهد کشتار و جنایات بی‌سابقه اسرائیل علیه مردم فلسطین در این باریکه هستیم. و برای ما جنگ آن چیزی است که در آن هشت سال از سوری عراق و بعثی‌ها بر ما تحمیل شد. پس در مقایسه با آن چیزی که مثال زدَم، واقعا در آن ۱۲ روز شاهد وقوع جنگ نبودیم.

❗ باز هم احساس می‌کنم یک توجیهی در کار است. چون به هر حال اسرائیل و در ادامه آمریکا از تمام توان هوایی، پهبادی و موشکی برای حمله به ایران استفاده کردند و هیچ خط قرمزی هم در اهداف خود نداشتند. ضمن اینکه متناصب با اقتصانات عصر سوم، قطعاً جنگ‌ها تغییر کرده‌اند و این ۱۲ روز می‌تواند آغازی بر یک دکترین جدید نظامی-امنیتی اسرائیل باشد که به دنبال تعریف جنگ‌های جدید، بدون درنظرگرفتن پارامتر «مرز مشترک» باشد.

اتفاق برخلاف آن چیزی که می‌گویید، متناسب با همین سال ۲۰۲۵، جنگ‌های جدید آن چیزی است که در اوکراین و غزه روی می‌دهد. مگر جنگ غزه و اوکراین مال ۳۰ سال یا ۵۰ سال پیش است! خیر، مال همین دو، سه سال اخیر است و جنگ‌هایی هستند که کم‌کاتن جریان دارند. پس مسئله این نیست که بخواهیم براساس هزاره سوم، جنگ‌های جدید را وارونه جلوه دهیم؛ خیر، جنگ است و من معتقدم در آن ۱۲ روز، اسرائیل به دنبال جنگ به معنای آن چیزی که در اوکراین با غزه روی داده است، علیه ایران نبود؛ بلکه اهدافی را برای خود تر خاک کشورمان تعریف کرد و با حملات هوایی، موشکی و پهبادی خود درصدد رسیدن به آن اهداف بود. تعدادی از فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای ما را شهید کردند و به دنبال نابودی برنامه هسته‌ای و موشکی ما بودند و حملاتی به تأسیسات ما داشتند تا قدرت لجستیک و نظامی ما را از بین ببرند. ما هم در پاسخ به این حملات، موشک‌های خود را به سمت اسرائیل شلیک کردیم که خسارت و تلفاتی به دنبال داشت. بعد از بمباران تأسیسات ما در فردو، نظنز و اصفهان به

بازگشت ایرانیان؛ از وعده تا واقعیت

ایرانیان خارج از کشور در دوران جنگ اشاره کرد و آنها را بخشی از ظرفیت‌های توسعه ایران دانست.
هادی قوامی، نماینده اسفراین نیز تأکید کرد که تحقق هدف رشد هشت درصدی در برنامه هفتم توسعه بدون جذب سرمایه‌های خارجی، از جمله ایرانیان خارج از کشور، دشوار خواهد بود.
عباس مقتدایی، نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز حمایت از لایحه را یک ضرورت امنیت ملی دانست و تأکید کرد ایرانیان خارج از کشور می‌توانند در مسیر توسعه ایران نقش کلیدی ایفا کنند.

و عدم تحقق شایسته‌سازایی در توزیع مسئولیت‌ها، پرسید چگونه انتظار داریم ایرانیان خارج از کشور به کشور بازگردند و سرمایه‌های خود را به کار بگیرند؟
وی هشدار داد که تا زمانی که مشکلات داخلی حل نشود، لایحه تنها یک اقدام نمایشی خواهد بود.
علی‌اصغر نخعی‌راد، نماینده مشهد نیز معتقد بود که دولت و مجلس باید ابتدا مشکلات ایرانیان داخل‌کشور را حل کنند، چراکه این اقدام به‌طور طبیعی باعث کاهش مهاجرت و تشویق بازگشت خارج‌نشینان می‌شود.
اما به اعتقاد او به نظر می‌رسد لایحه بیشتر جنبه تشریفاتی دارد تا عملیاتی.

چالش‌های بنیادین و الزامات اجرایی

واقعیت این است که کشور با چالش‌های پیچیده‌ای روه‌روست که تنها تصویب یک لایحه نمی‌تواند آنها را حل کند.
مهاجرت ایرانیان، خصوصاً نخبگان و سرمایه‌داران، ریشه در مسائل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و امنیتی دارد.
نبود امنیت شغلی، ضعف نظام اداری، نبود محیط کسب‌وکار مناسب، فساد و ناهنجاری‌های مدیریتی، فشارهای سیاسی و نبود ضمانت‌های قانونی برای حمایت از حقوق مهاجران و بازگشت‌کنندگان، از جمله موانعی است که باید پیش از هر اقدام جدی رفع شود.
در کنار این، اعتمادی که طی سال‌ها و دهه‌ها به دولت‌ها و نهادهای حکومتی از بین رفته، باید بازسازی شود.
تضمین امنیت واقعی و محسوس، نه فقط به صورت اعلامیه بلکه در عمل، اصلی‌ترین شرط بازگشت است.
همچنین تسهیل قوانین تابعیت مضاعف و حقوق کنسولی باید به‌گونه‌ای باشد که نه‌تنها نخبگان بلکه عموم ایرانیان خارج از کشور احساس کنند بازگشت به وطن یک فرصت و نه تهدید است.
تصویب کلیات لایحه حمایت از ایرانیان خارج از کشور در مجلس، گام مهمی برای ایجاد چارچوب قانونی بازگشت و حمایت از این جمعیت چند میلیونی است که سرمایه‌های عظیم انسانی، مالی و فرهنگی ایران را در اختیار دارند.
با این حال، برای تبدیل این لایحه به یک برنامه عملیاتی موفق، نیازمند اقدام‌های جدی‌تر و هم‌زمان در داخل کشور هستیم، از اصلاح ساختارهای اداری تا تضمین امنیت قضائی، فراهم‌آوردن فضای کسب‌وکار و احترام به حقوق شهروندی.
اگر این لایحه صرفاً یک سند تشریفاتی باقی بماند، همان سرنوشت شعارهای پیشین را خواهد یافت و فاصله بین ایرانیان داخل و ایرانیان خارج بیشتر خواهد شد.
اما اگر به‌طور جامع و عملیاتی اجرا شود، می‌تواند نقطه عطفی در بازسازی پیوند ملی، استفاده از ظرفیت‌های ایرانیان مهاجر و ایجاد آینده‌ای روشن‌تر برای همه ایرانیان باشد.

نگاهی به پیامدهای جنگ تحمیلی اسرائیل علیه ایران در گفت‌وگو با صادق زیباکلام

آیا جنگ ۱۲ روزه تکرار خواهد شد؟

دست آمریکایی‌ها، ما یک حمله به پایگاه آمریکا در قطر داشتیم. این چیزی بود که در آن ۱۲ روز روی داد و واقعا هنوز هم معتقدم جنگی به وقوع پیوست.
❗ اختلاف نظر من با شما درباره تعریف از جنگ جدید کم‌کاتن به قوت خود باقی می‌ماند، اما اجازه دهید به تحولات جدید هم بپردازیم که مهم‌ترین آن حملات اسرائیل به سوریه بود که به نرد حمایت از دروزی‌ها انجام شد. واقعا اسرائیل بعد از جنگ ۱۲ روزه ایران، با حملات خود به سوریه به دنبال چه بود؟ چون کاملاً مشخص است هدف هرچه باشد، موضوع حفظ امنیت برای دروزی‌ها نبود. موضوع تعریف نظم نوین برای تحقق سناریوی «کریسدر داوود» یا تحمیل «سایکس پیکوی دوم»، ذیل تجزیه سوریه است؛ هرچند که بسیاری معتقدند یک جنگ مهم در سوریه روی داده است و خوشبختانه این بار انگشت اتهام را متوجه تهران نمی‌کنند؟

اتفاقایی که موضوعات مهم در حملات اخیر اسرائیل به سوریه این بود که شاید برای اولین بار شاهد یک درگیری، جنگ و نزاع خونین بودیم که کسی دیگر ایران را مسئول نمی‌داند و خوشبختانه عین‌نشینانی که کم‌اینکه ترکیه به اسرائیل فشار آورد، عربستان و قطر به اسرائیل فشار آوردند و حتی آمریکایی‌ها هم به اسرائیل فشار آوردند که اسرائیل آتش‌بس را بپذیرد و جنگ را متوقف کند و زمام امور به دست خود سوریه بیفتد.

❗ پس منکر تجزیه سوریه در راستای تحقق کریسدر داوود با سایکس پیکوی دوم هستی؟

من از اوین دیگر به موضوع نگاه می‌کنم. همان‌طور که گفتَم، اسرائیل توانسته به اهداف ترسیمی خود از جنگ با سوریه دست پیدا کند، چون اگر هر کسی بخواهد از اقوام و مذاهب سوریه حمایت کند و هر کشوری از کردها، عرب‌ها، علوی‌ها، اهل سنت، دروزی‌ها و... در سوریه حمایت کند، این کشور وارد یک وضعیت بحرانی خواهد شد که قطعاً آثار و تبعات منفی برای هم‌سایران سوریه و حتی اسرائیل به دنبال دارد، بنابراین من، موضوع تجزیه سوریه بجای نابرابری به نظر می‌رسد لایحه بیشتر جنبه تشریفاتی دارد تا عملیاتی.

خطرناک برای خود اسرائیل و امنیت آن خواهد بود.

خبر

اولین گفت‌وگوی مستقیم ایران و اروپا پس از حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای برگزار خواهد شد

آغاز مذاکره اما در سطح معاونت

شرق؛ پس از هفته‌ها تنش و بی‌اعتمادی عمیق میان تهران و سه کشور اروپایی، خبر از توافق احتمالی برای ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای به گوش می‌رسد. با وجود توافق کلی درباره برگزاری گفت‌وگوها، ایران همچنان نشان می‌دهد که به اروپایی‌ها اعتماد کامل ندارد و این موضوع را با حضور در نشست آتی قرار است در سطح معاون وزیر خارجه نشان دهد. این رویکرد محافظه‌کارانه، پس از حملات اخیر اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران و تهدیدهای فعال‌کردن مکانیسم ماشه توسط کشورهای اروپایی، قابل درک است. با این حال، تهران در واکنش به این فشارها، آرامش خود را حفظ کرده و تلاش می‌کند با دقت و محتاطانه گام بردارد تا مبدا مسیر دیپلماسی مجدداً دچار بحران نشود.
دیروز خبرگزاری تسنیم گزارش داد که ایران با سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس به توافق کلنی درباره برگزاری مذاکرات هسته‌ای دست یافته است. براساس اطلاعات یک منبع آگاه، اصل برگزاری این مذاکرات مورد توافق قرار گرفته اما زمان و مکان دقیق نشست‌ها هنوز نهایی نشده و رایزنی‌ها برای تعیین این جزئیات ادامه دارد. پیش‌تر نیز برخی از رسانه‌ها اطلاع داده بودند که ایران درخواست رسمی سه کشور اروپایی برای ازسرگیری مذاکرات در زمینه موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها را در حال بررسی دارد. در همین حال، تسنیم مدعی شده که سیدعباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه ایران، در مذاکرات آتی شرکت نخواهد کرد و در صورت قطعی‌شدن، این مذاکرات در سطح معاون وزیر خارجه برگزار خواهد شد.
از سوی دیگر، اسکای‌نیوز عربی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) گزارش داده است دیپلمات‌های ایران و سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و بریتانیا یکشنبه آینده در شهر ژنو سوئیس دیدار خواهند کرد تا درباره برنامه هسته‌ای ایران گفت‌وگو کنند. این نشست در صورت تحقق، نخستین دیدار مستقیم دیپلمات‌ها از زمان حملات اخیر اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران خواهد بود و می‌تواند نشانه‌ای از بازگشت مسیر دیپلماسی به ریل پیشین تلقی شود.
همچنین سیدعباس عراقچی روز جمعه اعلام کرد به‌تازگی یک کنفرانس تلفنی مشترک با حضور وزرای خارجه سه کشور اروپایی و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برگزار شده است. او تأکید کرد اگر اروپا کشورهای اروپایی بخواهند نقشی مؤثر ایفا کنند، باید مسئولانه رفتار کنند. او گفت: «توافق باید عادلانه، متوازن و مبتنی بر منافع متقابل باشد و تنها در این صورت گفت‌وگوها از سر گرفته خواهد شد».
همچنین براساس بیانیه وزارت خارجه فرانسه، طرف‌های اروپایی‌با تأکید بر ضرورت بازگشت فوری ایران به مذاکرات، هشدار دادند که در صورت عدم پیشرفت ملموس تا پایان تابستان، به سمت اجرای مکانیسم موسوم به «اسنپ‌بک» پیش خواهند رفت؛ بنابراین دور جدید مذاکرات در سایه تهدید و بی‌اعتمادی و البته شروط دقیق و سرسختانه ایران اگسر برگزار شود دور از انتظار است به موفقیت چشمگیری ختم نشود، به‌خصوص که در سطح معاونت خواهد بود و عراقچی به اروپا نخواهد رفت.
خبرنگار اسرائیلی مستقر در واشنگتن، باراک راوند هم به نقل از مقامات ارشد اروپایی، احتمالاً وین یا ژنو، برگزار شود. وی افزود که کاتلم غرب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه و مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزارت خارجه، از طرف ایران در این مذاکرات حضور خواهند داشت. تاکنون هیچ‌یک از طرف‌های ایرانی و واکنش نشان نداده‌اند، اما برگزاری چنین نشستی می‌تواند نقطه عطفی در بازگشت به دیپلماسی هسته‌ای بین تهران و اروپا باشد.

۳۳۰ صفحه ۳